

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۱۴ جنوری ۲۰۱۴

بی نشان

در ظلمت تیره هستی نگاه آشنای شمعی نمیسوزد، شاید پاسدار درد تنهائیم سایه بان
خاطره هاست و بس.
زندگی چیزی جز آئینه تاریکی نیست، که با تگرگ پرشتاب اشکهایم جیوه مرادش را
سالهای دور نابود دیدم.
برو که من روی تخته سنگ سیاه مزارم با سرانگشتان ظلمانی شب، کلید رؤیاهایم را
ترسیم میکنم.
برو و تنهائیم بگذار، تا درین جهنم هستی اوراق سیاه دفتر عمرم را خاکستر سازم و
روزی برگرد و قفل رؤیاهایم را باز کن و ببین که در آسمان بزرگ قلبم، قبر هزاران
ستاره آرزوها بی نشان مانده است.

روزن دلگیر چشمانت

دگر از اوراق سبز قاموس احساسم برایت گلوازه نمیچینم و اما خورشید گرم عاطفه را
به روزن دلگیر چشمان منتظرت میفرستم، تا در پهنای آرزومند دلم بار دگر با گرمی
عشق برگردی.

(ناهید "غزل" غنی زاده)